

شیوه‌های تبلیغی پیامبر اکرم از نگاه قرآن کریم

ناصره بتول انقلابی / کارشناس علوم قرآن

مقدمه: سخن از خاتم انبیاء صلی الله علیه و آله و سرور رسولان و نگین انگشتی رسالت است؛ او که اسوه‌ی اسوه‌های قرآن بوده و پیامبران و مصلحان، جملگی چشم به رسالتش دوخته و امید به نجات جهانیان به دست او داشته‌اند؛ پیامبری که خدای تعالی بعثتش را منتی بزرگ بر انسان‌ها شمرد. لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ...؛ خداوند بر مؤمنان منت گذارد (نعمت بزرگی بخشید) هنگامی که در میان آن‌ها پیامبری از جنس خودشان برانگیخت.

حق تعالی او را ختم رسولان قرار داد؛ چرا که شیوه‌های دعوت و تبلیغ را بدو کامل کرد و فضایل و ارزش‌های انسانی را به کمال در وجودش بنهاد و او را اسوه تمام انسان‌ها و الگوی جمله پیروان حق قرار داد؛ پس او هم تمام‌کننده رسالت‌هاست و هم کامل‌کننده فضیلت‌ها، در مقام منبع او پس که خدای تعالی به جانش سوگند یاد کرد.

«لَعَمْرُكَ إِنَّهُمْ لَفِي سَكْرَتِهِمْ يَعْمَهُونَ»؛ به جانت سوگند این‌ها در مستی خود سرگردانند (و عقل و شعور خود را از دست داده‌اند).^۱

از حیث کمالات تبلیغی نیز او جامع همه فضایل تبلیغی است؛ اوست که روحیه رحمت، صفت صفا، شمیم شفقت و خصلت خلوص در وجود پر برکت و شخصیت با عظمتش موج می‌زند.

مهم‌تر از همه این که قرآن به عنوان مرام‌نامه تبلیغ و دعوت الی الله، کتاب دعوت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله است و علاوه بر شیوه‌های پیامبران پیشین، حاوی روش‌های بدیع و بی‌سابقه رسول خدا صلی الله علیه و آله در تبلیغ است.

اول: آیاتی که به طور مستقیم بیان‌گر اتخاذ شیوه‌های گوناگون تبلیغ از سوی پیامبر صلی الله علیه و آله بوده و متدولوژی دعوت نبوی را روشن می‌سازند، مانند: «وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ: خَوِشَاوَنِدَانِ زَدِيكَتَ رَا اَنْذَارِ كُنْ»^۲

«وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ...؛ و ما این ذکر (قرآن) را بر تو نازل کردیم تا آن‌چه به سوی مردم نازل شده است، برای آن‌ها تبیین کنی...»^۳

دوم: آیاتی که دستورهای مستقیم وحی را در ارتباط با شیوه تبلیغ بازگو می‌کند و در بیش‌تر موارد با فعل امر «قل» آغاز می‌شود.

«قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ لَا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ»؛ بگو ای کافران! آن‌چه را شما می‌پرستید من

نمی‌پرستم»^۴

پس از آیات قرآن، کتب و مجموعه‌های حدیثی از قبیل اصول و فروع کافی، نهج‌البلاغه و بحار الانوار، رهنمودهای قابل توجهی از چگونگی اتخاذ شیوه‌های تبلیغی توسط پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ارائه می‌دهند.

در این نوشتار به بعضی از راه‌ها و شیوه‌های تبلیغی آن حضرت که دارای اهمیت زیادی است، می‌پردازیم.

۱) بیان صریح عقاید و مواضع

صاحب عقیده‌ای که بر حق باشد دلیلی برای کتمان و سرپوش نهادن بر اعتقاد خویش ندارد. پیغمبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله به ویژه در برابر مشرکان عنود، هیچ‌گاه از اظهار عقیده خویش باز نماند و حتی در دوران پیش از بعثت و نیز در دوره دعوت پنهانی و چهره به چهره، در برابر پرسش‌های گفته یا ناکفته قریش و دیگران عقاید خویش را به صراحت اعلام کرد. «قُلْ هُوَ رَبِّي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ مَتَابُ»؛ بگو او پروردگار من است، معبودی جز او نیست و بر او توکل کردم و بازگشتم به سوی او است.^۵

«قُلْ إِنَّمَا أَمْرُهُ أَنْ أَعْبُدَ اللَّهَ وَ لَا أَشْرِكُ بِهِ إِلَيْهِ أَدْعُوا وَإِلَيْهِ مَابُ»؛ بگو من مأمورم که الله را پرستم و شریکی برای او قایل نشوم، به سوی او دعوت می‌کنم و بازگشت (همگان) به سوی او است.^۶

«قُلْ اللَّهُ أَعْبُدْ مُخْلِصًا لَهُ دِينِي»؛ بگو: من تنها خدا را می‌پرستم، در حالی که دینم را برای او خالص می‌کنم.^۷

«إِنَّ الدِّينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ عِبَادًا أَمْثَلُكُمْ...»؛ آن‌هایی را که غیر از خدا می‌خوانید (و پرستش می‌کنید) پندگانی هم‌چون خود شما هستند...^۸

«إِنَّ وَلِيَ اللَّهِ الَّذِي نَزَّلَ الْكِتَابَ وَ هُوَ يَتَوَلَّى الصَّالِحِينَ»؛ (اما) ولی و سرپرست من خدایی است که این کتاب را نازل کرده است و او سرپرست همه صالحان است»^۹

۲) سازش ناپذیری و عدم نرمش در اصول

آن‌گاه که مخالفت‌ها و لجاجت‌ها در برابر پیامبر صلی الله علیه و آله متوجه اصول اعتقادی او مانند توحید و معاد می‌گردید، هیچ‌گونه نرمش و تحمل از سوی حضرتش مشاهده نمی‌شد؛ چرا که مهم‌ترین رسالت خویش را تثبیت توحید خالص در ذهن و دل مخاطبان می‌دانست.

قرآن در مواضع متعدد به این مهم اشاره می‌کند:

خالصانه بود. او مشرکان را به مثابه بیمارانی می‌نگریست که نیازمند پرستاری دل‌سوز برای معالجه و مداوانند؛ طبیعی که دردشان بشناسد و مرهمی بر آن بپاشد، در نظر او مؤمنان نیز همواره محتاج مراقبت حکیمانه به منظور رشد ایمان و سلوک‌شان هستند.

بدین جهت، پیامبر ﷺ درصدد ایجاد ارتباط صمیمی و طرح دوستی خالصانه با آنان بود؛ شفقت بر منحرفان درجهت نرم کردن دل و آماده کردن آنان برای پذیرش دعوت و دوستی عمیق با مؤمنان با هدف تخلیق بیش از پیش آنان به فضایل اعتقادی و اخلاقی.

تردیدی نیست که این شیوه مبتنی بر اصولی پذیرفته شده در روان‌شناسی و علم تربیت است. هرگاه دل انسان به صاحب عقیده و مرامی مایل گشت و الفت و تعلق باطنی میان آن دو برقرار شد، پذیرش عقیده به آسانی صورت می‌گیرد، بر خلاف آن که میان دو طرف، نفرت و شقاق باشد. امام علی علیه السلام می‌فرماید: رسول خدا ﷺ نرم‌خوترین و در معاشرت بزرگوارترین مردم بود.^{۱۶} چنان که از انس بن مالک نقل شده است:

«كان رسول الله ﷺ يعود المريض و يتبع الجنازة و يجيب دعوة المملوك؛ (عادت پیغمبر ﷺ چنین بود که) مریض را عبادت می‌کرد و جنازه را مشایعت می‌نمود و دعوت برده را اجابت می‌کرد.»^{۱۷} در روایت «هندین ابی هاله» در توصیف سیره‌ی رسول خدا ﷺ آمده است: «هو كان رسول الله ﷺ... يولفهم و لا ينفهم.» رسول خدا ﷺ با مردم انس می‌گرفت و آنان را از خود دور نمی‌ساخت.^{۱۸} طبق بیان زیر بر این روش تأکید فراوان داشت: «المؤمن مألوفة و لا خير فيمن لا لف و لا يولف؛ مؤمن، الفت‌گیر است و کسی که الفت نگیرد و کسی نیز با او مانوس نشود، خیری ندارد.»^{۱۹} چراکه هر مؤمن مأمور ترویج ایمان است و این مهم نیازمند الفت و انس با انسان‌هاست.

۴) احترام به همه اقشار و طبقات

در منطق انبیا علیهم السلام، هر کس دارای حرمت و ارزش انسانی است و نمی‌توان حتی به دلیل بی‌ایمانی، کسی را مورد اهانت قرار داد، اما احترام پیامبر ﷺ دلیل مهم‌تری نیز دارد که ایجاد زمینه برای نفوذ در دل مخاطب و ابلاغ اصول ایمانی به اوست، مردی وارد مسجد شد، درحالی که پیامبر ﷺ به تنهایی نشسته بود. حضرت بلند شد و جا باز کرد. مرد «در شگفت شد» و گفت: ای رسول خدا، جا که بسیار است. فرمود: «حق مسلمان بر مسلمان است که اگر دید برادرش می‌نشیند» احترامش کند و «بلند شود و برایش جا باز کند.»^{۲۰} گاهی از اوقات

«قُلْ أَعَاظُكُمْ بِاللَّهِ اتَّخَذُوا فَاطِرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ يُطْعَمُ وَ لَا يُطْعَمُ قُلْ إِنِّي أَمَرْتُ أَنْ أَكُونَ أَوَّلَ مَنْ أَسْلَمَ...؛ بگو آیا غیر خدا را ولی خود انتخاب کنم، درحالی که او آفریننده آسمان‌ها و زمین است و او ست که روزی می‌دهد و از کسی روزی نمی‌گیرد، بگو من مأمورم که نخستین مسلمان باشم.»^{۲۱}

علامه طبرسی رحمته الله در ذیل این آیه می‌نویسد:

براساس روایتی، اهل مکه به پیغمبر ﷺ گفتند: ای محمد آیین قومت را ترک گفتی، درحالی که ما می‌دانیم جز فقر تو را به این امر واداشت، پس بیا تا ما از دارایی‌های خود برای تو گرد آوریم و تو را از ثروتمندترین مردم گردانیم. پس آیه فوق نازل گردید.^{۲۲}

در جای دیگر به صراحت از همراهی و اطاعت کافران نهی می‌کند: «فَلَا تَطْعَمُ الْمَكْذِبِينَ وَدُوا لَوْ تَدَّهْنُ فَيَذْهَبُونَ؛ حال که چنین است از تکذیب‌کنندگان اطاعت مکن، آن‌ها دوست دارند نرمش نشان دهی تا آن‌ها نرمش نشان دهند.» (نرمشی توأم با انحراف از مسیر حق)^{۲۳}

استاد مطهری رحمته الله، در تبیین پای بندی پیامبر ﷺ به تحکیم اصول و اجرای حدود الهی در مقابل نرمش و مدارای او در امور فردی و حقوق شخصی چنین می‌گوید:

«پیامبر ﷺ در مسایل اصولی هرگز نرمش نشان نمی‌داد، در حالی که در مسایل شخصی فوق‌العاده نرم و مهربان بود و فوق‌العاده عفو و گذشت داشت، این‌ها نباید با یکدیگر اشتباه شوند.»^{۲۴} وقتی مخاطب متوجه شود که مبلغ بدون چشم‌داشت و صرفاً از روی دل‌سوزی پیام‌رسانی می‌کند، او هم آماده‌ی جان‌فدایی و رابطه‌ای بیش‌تر با مبلغ می‌شود و این خیلی مهم است برای یک مربی و مبلغ که چنین افرادی داشته باشد، البته کار ساده‌ای نیست و خیلی کار و عوامل می‌خواهد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در سه سال اول که هنوز رسالتش را اعلام نفرموده بود، بیش‌تر از روش تبلیغ فردی و چهره به چهره استفاده می‌نمود، و با ملاقات‌های مختصر و مفیدش دل جوانان و پیرمردان را مجذوب خودش می‌کرد، و از این طریق پیام‌رسانی می‌کرد.

۳) ارتباط صمیمی با همگان

رفتار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با مردم، اعم از مؤمن و کافر از موضع شفقت و مهرورزی و دوستی

نیز اتفاق می‌افتاد که پیامبر ﷺ بر روی زیرانداز نشسته بودند و در این حال شخصی بر ایشان وارد می‌شد، آن حضرت زیرانداز را از زیر پای خود برمی‌داشت و زیر پای مهمانش می‌گستراند. اگر آن شخص قبول نمی‌کرد او را سوگند می‌داد تا آن را بپذیرد.^{۳۱}

۵) ابتکار عمل در دعوت

از جمله راه‌کارهای اساسی تبلیغ رسول گرامی اسلام ﷺ، فعالیت بی‌گیر و ابتکار عمل مدام در ایجاد فرآیندهای تبلیغی با دامنه‌ها و وسعت‌های مختلف است؛ پیامبر ﷺ با بهره‌گیری از روحیه شاد و فعال و با روی گشاده و پذیرای همگان، همواره در صدد یافتن دوستان و معاشران جدید؛ یعنی شکار دل‌ها بود. این امر به گسترش دامنه دعوت به افراد، قبایل، شهرها و قریه‌های دور و نزدیک منجر می‌گشت. نکته اساسی در این است که پیامبر ﷺ هیچ‌گاه به امید مراجعه آدمیان به او برای کسب تکلیف و جلب هدایت در جایی نیامید و نشست، بلکه همواره در پی یافتن گوش‌های شنوا و دل‌های حق‌پذیر و کام‌های تشنه هدایت بود.

جمله مشهور امام علی (ع) در نهج البلاغه از گویاترین تعابیر در این باب است که او را «طیب دُوار» خوانده است؛ طیبی که در هر جا به معالجه و شفای بیماران روحی و اخلاقی و فکری مبادرت می‌ورزد و با دلسوزی و شفقت تمام آن‌ها را درمان می‌کند.^{۳۲}

تحرك بسیار و تلاش بی‌وقفه پیامبر اکرم ﷺ به‌ویژه در سیزده سال نخست بعثت که دوران ویژه دعوت فردی «چهره به چهره» و اجتماعی بود، در تاریخ تبلیغ دینی بی‌نظیر است. پیامبر اکرم ﷺ در این راه خستگی و نومیدی نمی‌شناخت.

مراجعه‌ای مختصر به آیات قرآن که پیامبر ﷺ را از تلاش بیش از حد وظیفه و توانش منع می‌کند در اثبات مطلب فوق کافی است:

«فَلَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَفْسِكَ عَلَىٰ آثَارِهِمْ إِن لَّمْ يُؤْمِنُوا بِهَذَا الْحَدِيثِ أَسَفًا؛ گویی می‌خواهی بخاطر اعمال آنان، خود را از غم و اندوه هلاک کنی اگر به این گفتار ایمان نیاورند.»^{۳۳}

«مَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لِتَشْقَى؛ ما قرآن را بر تو نازل نکردیم که خود را به زحمت بیفکنی.»^{۳۴}

به هر ترتیب، آن‌چه مسلم است این است که رسول اکرم ﷺ به عنوان یک اسوه تبلیغی از

هر فرصتی برای ابلاغ دعوت به طور کامل بهره‌برداری می‌کرده است. ایشان گاهی با تبلیغ چهره به چهره و فردی در سه سال اول بعثت و گاهی هم با تبلیغ عمومی و اجتماعی پس از اعلان عمومی پیام قرآن و اسلام را به گوش مردم و مخاطبین می‌رسانده و در این راه از هیچ تلاش و کوششی فروگذار نمی‌کرده است.

درباره فلسفه این شیوه تبلیغی، نویسنده فروغ ابدیت می‌نویسد:

«افراد پخته و عاقل و دانا، همواره در راه نیل به مقاصد خود از همین طریق وارد می‌شدند و رهبر عالی‌قدر اسلام از همین اصل مسلم استفاده نمود و سه سال تمام، بدون شتاب‌زدگی در تبلیغ آیین خود می‌کوشید و هر کس را که از نظر فکر و استعداد؛ شایسته و آماده می‌دید، کیش خود را به او عرضه می‌داشت... در ظرف این سه سال ابتدا دست به دعوت عمومی نزد و فقط با افراد آن هم به روش چهره به چهره تبلیغ می‌کرد و تماس‌های خصوصی برقرار می‌کرد.»^{۳۵} از جمله نتایج اتخاذ این شیوه این بود که، سران قریش در این سه سال، کوچک‌ترین جسارتی به پیامبر ﷺ نمی‌کردند و همواره ادب و احترام او را نگاه می‌داشتند و او نیز ظرف این مدت از بتان و خدایان آن‌ها آشکارا انتقاد نمی‌کرد.^{۳۶} حضرت رسول اکرم ﷺ در این مدت جاهای مختلفی با افراد دیدار و ملاقات می‌کرده، ولی آن‌چه مشهور است، در ابتدای دعوت پنهانی، خانه «ارقم بن ابی الارقم» نخستین جا و پایگاه دعوت پیامبر اسلام ﷺ بوده و مسلمانان نخستین، آیین اسلام و آموزش‌های قرآنی را در آن‌جا فراگرفته‌اند؛ پس از آن که ارقم اسلام آورد و به قول خودش، هفتمین نفری بود که ایمان آورده بود، خانه خود را در اختیار حضرت رسول اکرم ﷺ و یارانش قرار داد و عده زیادی در این خانه اسلام آوردند و حتی اسلام اشخاص در آن، نوعی تاریخ‌گذاری هم شد... این خانه در دامنه کوه صفا قرار داشت و به همین جهت، دار الاسلام خوانده شد.^{۳۷}

از آن‌جا که که پیامبر ﷺ برای ما اسوه حسنه است، بر ماست که روش‌های تبلیغی پیامبر ﷺ را مد نظر قرار دهیم.

امروزه روش و شیوه و بسته‌بندی کار به اندازه محتوا و مضمون واجد اهمیت است و چه بسا محتوایی مطلوب بر اثر آرایه یا شیوه و روش نامطلوب، ضایع گردد و چه بسا مباحث و نکته‌های ضعیف‌تر در قالب و روش‌های جذاب بهتر عرضه گردد و توفیق بیش‌تری داشته‌باشد. امر تبلیغ هم از این قاعده مستثنا نیست. پس در نتیجه بر مبلغین است که از این قواعد به نحو احسن و معقول استفاده کنند تا در امر مقدس تبلیغ بیش از پیش موفق و پیروز باشند.

پی‌نوشت‌ها:

۱. آل عمران / ۱۶۴
۲. حجر / ۷
۳. شعرا / ۲۱۴
۴. نحل / ۴۴
۵. کافرو ن / ۱، ۲
۶. اسوه‌های قرآنی / ص ۹۲
۷. رعد / ۳۰
۸. همان / ۳۶
۹. زمر / ۱۴
۱۰. اعراف / ۱۹۴
۱۱. همان / ۱۹۶
۱۲. انعام / ۱۴
۱۳. اسوه‌ها، ص ۹۴
۱۴. قلم / ۸۹
۱۵. سیری در سیره نبوی، ص ۲۳۸
۱۶. بحار، ج ۱۶، ص ۲۳۱
۱۷. همان، ص ۲۲۹
۱۸. اسد الغایه ج ۱، ص ۲۵ به نقل از اسوه‌های قرآنی، ص ۱۳۷
۱۹. وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۴۰۸
۲۰. اخلاق تبلیغ در سیره رسول الله ﷺ، ص ۱۴۰
۲۱. همان
۲۲. نهج البلاغه، خ ۱۰۷، ص ۳۲۱
۲۳. کهف / ۶
۲۴. طه / ۲
۲۵. فروغ ابدیت، ج ۱، ص ۲۱۰
۲۶. همان
۲۷. سیره رسول‌الله، ص ۱۴۳